

در محاسن و معایب فرهنگ لغات زبان مخفی

ستودنی است، به ویژه آنکه این فرهنگ، کاملاً روشمند و علمی تهیه شده و اصول فرهنگ‌نویسی تخصصی در آن رعایت شده است و به نظر می‌رسد برای اینکه بتوانیم فرهنگ واژگان معاصر را تدوین کنیم و جود این فرهنگ و نظایر آن برای اصناف و طبقات دیگر لازم و ضروری است، اما نگرانی نگارنده از این جهت است که این مجموعه به اشاعه و گسترش این لغات و ترکیبات اغلب غیرفارسی و گاه زشت و بی‌مورد کمک کند. به عبارت بهتر، در بحبوحه به‌کارگیری این واژگان از سوی برخی از جوانان، چاپ این اثر عجولانه می‌نماید و می‌توانست بعد از فروکش کردن تب استفاده از آنها و بدون نگرانی از عوارض جانبی و به‌طور کامل انجام پذیرد. اگر چنین فرهنگی برای زبان مخفی سارقان، معتادان و زندانیان تهیه می‌شد، نگارنده هیچ‌اصرازی برای تأخیر در چاپ آن نداشت، زیرا اقشار مذکور جزو طبقاتی هستند که کسی به شبیه‌سازی خود با آنان و بهره‌مندی از واژگان نشان تمایلی نشان نمی‌دهد و حتی به ترک لغات احتمالی و مشترک بین خود و آنها همت می‌ورزد؛ در حالی که فرهنگ لغات جوانان به‌ویژه از طبقه‌ای خاص، با دسته پیشین تفاوت بنیادین دارد. این دسته نه تنها مجرم و خلافکار نیستند، بلکه گاه تیپ و قیافه‌ای جذاب و خوش آیند نیز دارند و تشبه به آنان می‌تواند آرزوی بسیاری از همسن و سالانشان باشد. فروش بالای کتاب به طوری که در دو ماه به چاپ دوم رسیده است مؤید این نکته است. علاوه بر کتابخانه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی، افراد و طبقات زیر را می‌توان از خریداران آن شمرد:

(۱) اهل تحقیق و پژوهش در حوزه ادبیات و زبان‌شناسی و...
(۲) جوانانی که احتمالاً تلاش می‌کنند به کمک این کتاب،

ماهگی سالها پیش را به یاد می‌آوریم که اغلب در جاده‌ها به خودروهایی برمی‌خوریم که در پیش و پس آنها واژه، ترکیب، عبارت، مصراع یا بیتی نقش بسته بود. محتوای این نوشته‌ها را موضوعات مذهبی مانند: «بیمه ابوالفضل، توکل بر خدا» عاشقانه نظیر: «عشق سلطان قلب‌ها، فراموشم مکن» و یا عاطفی چون: «پدر منتظر هستم، فرزندم برمی‌گردد» و غیره تشکیل می‌داد و گاه و بی‌گاه باقی مانده آنها را در جاده‌های دورافتاده مشاهده می‌کنیم. این نوشته‌ها که به‌ویژه در حوزه شعر اغلب سست و بی‌مایه بود، بیانگر علایق درونی و گرایشهای ذهنی رانندگان، صاحبان و یا مالکان پیشین آنها بود و از جهت جامعه‌شناسی و روان‌شناسی نکات قابل تأملی داشت و حتی کسی، این ادبیات جاده‌ای را با عنوان «ماشین نوشته‌ها» در مجموعه‌ای گردآوری کرد.

با گسترش ارتباطات و ابزار ارتباطی که انسان بهتر می‌توانست مفاد درونی خود را با دیگران در میان نهد و بارشد سرسام آور قیمت اتومبیل و به خصوص خودروهایی بزرگ که حتی یک خراش و یا یک لکه در ارزش گذاری آن مؤثر بود، مالکان آنها را متقاعد کرد که از این کار صرف‌نظر کرده، ماشینهای لوکس و گران قیمت خود را چه با حرفهای به درد بخور و چه به درد نخور، مزین نکنند. اخیراً کتابی از سوی نشر مرکز با عنوان **فرهنگ لغات زبان مخفی** به چاپ رسیده که محصول کوشش و همت سرسختانه دکتر مهدی سمائی است. این کوشش از جهت مطالعات زبان‌شناختی، جامعه‌شناسی و شناختهای دیگر یک قشر از جامعه و پرداختن به زمینه‌های روحی و دلبستگیهای زندگی این دسته



حسین جعفری

امشب می آیند و دست و پنجه نرم می کنند.
- بی غیرتها رجز می خوانند و آن وقت معلوم می شه که رستم
صولت و افندی پیزی کیست.
- کاکا! مردت خانه نیست؟ معلوم می شه که یک بست بیشتر
کشیدی، خوب سنگولت کرده.
- به پوریای ولی قسم، اگر دو مرتبه بدمستی کردی، سبیلت را
دود می دهم. با برگه همین قمه دو نیمت می کنم.
- هزار جور بامبول می زد.

- دهنش می چاد، سگ کی باشه. یارو خوب دک شد. در خانه
حاجی موس موس می کند. گویا چیزی می ماسد. دیگه سر محله
سر ذرک که می رسد، دمش را تو پاش می گیرد و رد می شود.
وقتی زبان، بسیاری از این واژگان رابه واژه نامه ها ماکول کرده
است، یقیناً با «گاگول، زیت، زی ذی، سی جی، شامپکس، فخن،
فان فان، ترب فخن، تاپاله، گون گولا و...» جوانان تازه به دوران
رسیده تهرانی نیز چنین خواهد کرد.

سخن پایانی: همچنان که رانندگان امروزی، حاضر نیستند بدنه
اتومبیلهای شیک خود را با حرفهای الکی و بیپوده بیالایند، رجای
و اائق دارم که نسل آینده جوانان ایرانی نیز، زبان زیبای فردوسی و
سعدی و حافظ و «این قیمتی در لفظ دری» را با واژگان مجعول و
ناشایست، آلوده نخواهند کرد، همچنان که نسل امروزی، واژگان
کاکارستم و همونعانش را به باد فراموشی سپرده است.

پانوشت:

* فرهنگ لغات زبان مخفی، مهدی سمائی، نشر مرکز، ۱۳۸۲

فرهنگ واژگان زبان مخفی خود را کامل کنند و یا برای اینکه خود
را به اصطلاح خودشان با کلاس نشان دهند، از آنها استفاده کنند.
۳) والدین این جوانان تا بدانند فرزندانشان به چه زبانی حرف
می زنند و بتوانند سخنان آنها را بفهمند. البته این کتاب چنانکه
مؤلف نیز یادآوری کرده است، کاربرد دیگری نیز دارد و آن ویژگی
سرگرم کنندگی آن است، به طوری که به کمک آن می توان لحظاتی
خندید و یا دیگران را خندانند.

با این همه وقتی به گذشته نگاهی می اندازم، اندکی از نگرانی ام
کاسته می شود. با خود می گویم مگر در گذشته، اقشار خاصی مثل
لوطی ها، داش ها، راهزنان و دیگران شکل مخصوصی تکلم
نمی کردند؟ اگرچه بالاخره رسوباتی از این واژگان در زبان ته نشین
می شود، ولی زبان آنها را تصفیه کرده و مجال ماندگاری نمی دهد.
شما اگر اصطلاحات مخصوص لوطی ها را فقط در داستان «داش
آکل» جمع کنید، به چشمگیر بودن آنها پی می برید. به چند نمونه
موجود در این داستان توجه فرمایید:
- ارواح شکمشان! آنهایی که قپی پامی شند، اگر لوطی هستند،